



پای لچ و کاکو های افغانستان

ولایت قندهار مانند سایر ولایات افغانستان دارای فرهنگ خاص است که تنها مردم همان ولایت و شهر به آن عادت دارند. این فرهنگ برای سایر مردمان افغانستان و جهان خیلی جالب و دور از تصور می باشد. احمدشاه بابا کبیر برای ساختن کشور بنام افغانستان به مردان خیلی شجاع ضرورت داشت. او مردان زیادی را از گوشه نواحی جمع آوری نمود تا به حملات فتح شهرها و کشورها بپردازد.

لشکر احمد شاه بابا با پای پیاده و بدون پا پوش برای مدت ۲۰ سال به هرات ، هند ، سند ، بلوچستان ایران بدخشان و شمال افغانستان در حرکت بودند. احمدشاه بابا از هر ملیت لشکریان داشت ولی زیاده از مردمان قندهار و پکتیا بودند. اینطور واقعات هم گردیده که سربازان افغانی با پای پیاده بدون پا پوش از هرات قندهار در ۱۲ شبانه روز به دویدن خود را به لاهور رسانده با همان خستگی برای دفاع از خاک خود جنگیده کامیابی را نصیب وطن خود نموده است. در منطقه اسیا هیچ نیرو نمی توانست با چنین مردان قوی هیکل و قوی عزم بجنگند.

لشکریان احمدشاه بابا برای اینکه پای شان در برابر سنگ خاک ریگ چوب پخته شود کف پای خود را برای چندین روز در آتش پخته نموده سپس خینه می مالیدند. بعضی از این مردم برای اینکه از دیگران امتیازی داشته باشند پای خود را نعل اسپ می نمودند. به اساس قصه های مردم قندهار با وجودیکه نعل نمودن با میخ داغ و آتشین صورت می گرفت درد خیلی شدید داشت و از آن پس برای مدتها نیز آزار دهنده بود ولی این مردان خمی به ابرو ننموده به همان درد راه میرفتند و مردم را به حیرت می انداختند. اینگونه مردان در جامعه قندهار بنام کاکو (کاکه) یاد می گردید. بعضی از مردم قندهار لشکر قندهاری را بنام لیوانیان نیز یاد می نمودند. زیرا لشکریان دلیر خیلی سخت مذهبی ، بی رحم ، هیبت ناک آراسته با ریش دراز موهای رسیده چشمان سرخ و سرمه کردگی انکشتان کلان و قوی بودند. وقتی مردمان سایر کشورها چنین لشکر را می دیدند دل از دلخانه شان بیرون آمده توان جنگ را از دست می دادند. کسی که در جنگ اسیر میشد بخشیده نمیشد چنانچه احمدشاه بابا در جنگ پانی پت ۳۰۰۰۰ مسلمان اسیر را کشت که با لشکر هند متحد شده بودند. جالب اینکه ریش و مو مردان قندهار خیلی سیاه و درشت بوده تا سن ۶۵ سالگی به همان رنگ سیاه باقی می ماند.

پای لچان دارای صفت های چون جوان مردی خودگذاری دلاوری ، مسلمان ، صادق ، ، نیک ، غازی بود. اگر پای لچ در منطقه زیست مینمودند مردم محل احساس امنیت نموده مشکلات خود را توسط آنها حل مینمودند.

یکی از خصوصیات پای لچان این بود برای ساعتها باید به همان شکل که نشسته میبود تغییر شکل نمی

داد یعنی شخی پای را نمی گرفت و پایش باید خواب نمی رفت اگر خواب میرفت کاکو نبود و بی غیرت خوانده میشد. اگر خدای ناخواسته بادش خارج میشد در همان مجلس باید شکم خود را پاره مینمود. زیرا تحمل آنرا نداشت که نامش و نام خانواده اش تیزوک گذاشته شود. و یا اینکه نام کاکو را از دست داده ترک دیار می نمود.

در آنزمان کاکو ها رهبر و رهنمای مردم بوده آنها با داشتن آن افتخار میکردند زیرا از همه اولتر کاکو ها غازی میبودند و چندین کافر و یا دشمن را کشته می بودند. پس از مدتی صفت کلمه کاکو از قندهار به سایر ولایت بخصوص در شهر کابل سرایت نموده مردم کابل چنین افتخارات را در جنگها بدست آوردند. اینگونه جوان مردان را در کابل کاکه یاد مینمودند. کاکه های کابل نیز دارای خصایل نیک و مطابق به جامعه کابل داشت. امیر عبدالرحمن خاک فروش بنا بر دستور انگلیسها غرض اینکه جوانها را متوجه چیزهای ناپسند نماید اولاد در شهر کابل کاکه بودن را رشد داد بعداً از این کاکه ها غرض کنترول جامعه استفاده نا مطلوب نمود.

تا آنکه در قرن ۲۰ نغاره جنگ با کفار از آواز افتاده رفته رفته پای لچی به بدماشی چاقو کشی آدم کشی راگیری مبدل گشت.

در قرن ۲۰ کسی افتخار پای لچ را کسب مینمود که دلیر میبود، چندین قتل را اجرا می نمود، بندی خانه را سپری کرده میبود، اقراری نمی بود، بدون پا پوش میبود در غیر پای لچ نبود. در جنگهای داخلی کلمه پای لوس از بین رفته نام خود را به مجاهد دلیر سر به کف غازی مبدل ساخت. ولی کلمه کاکو از بین رفته به مردان بزرگ سن و قابل احترام کاکو صدا می نمایند. کاکوها کسان بود که هرگز موضع خود را به کسی تسلیم ننموده باشد چندین نفر از دشمن خود را کشته باشد، از جنگ فرار ننموده باشد، هرگز تسلیم نگر دیده خیانت ننموده باشد. اکنون کلمه کاکو وجود داشته ولی پای لوس بکلی از بین رفته صرف نام آن در خاطرات باقی مانده است.

باید گفت افغانستان مفت ساخته نشده جوانان چنین رنج را تحمل نموده کشوری بنام افغانستان را برای ما تسلیم نموده اند. هیچ کشور نیست که یک بلیست خاک خود را بدهند. گویند احمد شاه بابا برای خود قلعه می ساخت مادرش وی را از ساختن قلعه منع نموده وگفت تو برای خود قلعه می سازی دیگران چه کنند. لازم است تا جای افغانها است توسط آن قلعه بساز که جهان گرفته نتواند. احمدشاه بابا نصحیت مادر را قبول نموده تا جای که افغانها (هند کشمیر افغانستان بلوچستان و مشهد ایران) زندگی داشتند حمله نموده این مردم را ازاد ساخت.

از زبانهای مردم
فرهنگ مردم